

تبیین ابعاد تربیت کودک در نظام خانواده از دیدگاه اسلام

مریم کیان*

چکیده

مسئله تربیت، از نیازهای ضروری و مهم هر جامعه انسانی محسوب می‌شود. در این میان، تربیت کودک وظیفه خطیری است که به ویژه برای والدین مسئولیت‌آفرین است و کیفیت تحقق آن می‌تواند برای فرد، خانواده و جامعه سرنوشت‌ساز باشد. مقاله حاضر با هدف بررسی و تبیین ابعاد تربیت کودک در نظام خانواده از دیدگاه دین مبین اسلام انجام شد. روش پژوهش از نوع تحلیل اسنادی بوده و طی آن مجموع منابع و اسناد مربوطه بررسی شدند. این منابع شامل آموزه‌های تربیتی قرآن کریم و سیره زندگی پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام بوده است. در مقاله حاضر، ابتدا مفهوم و جایگاه تربیت کودک در آموزه‌های اسلام تشریح می‌شود، سپس حقوق کودک در خانواده و نقش

* - عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه یزد.



والدین در تربیت کودک تبیین می‌گردد و در ادامه ابعاد تربیتی کودک از دیدگاه اسلام، شامل تربیت جسمانی و عقلانی، تربیت دینی و اخلاقی و نیز تربیت اجتماعی کودک تشریح می‌شود. در پایان، روش‌های پرورش ابعاد تربیتی کودک بررسی می‌شود و پیشنهادهای تربیتی برای تحقق تربیت مطلوب کودک ارائه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی

تربیت، ابعاد تربیت، کودک، خانواده، دیدگاه اسلام.

مقدمه و بیان مسئله

تربیت کودک یکی از وظایف خطیر والدین است. روانشناسان بر این باورند که عمده‌شخصیت فرد در همان سال‌های اول زندگی شکل می‌گیرد؛ بنابراین بهترین دوران برای تربیت هر فرد دوران کودکی است. به عبارت دیگر مناسب‌ترین زمان برای پرورش رفتارهای مطلوب برای به‌کارگیری در دوران‌های بعدی زندگی، زمانی است که هنوز شخصیت کودک شکل نگرفته و مسئولیت این امر حساس در وهله اول بر عهده خانواده، به ویژه والدین است. با توجه به ظهور عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، نوع تربیت نیز در این عصر با دوره‌های گذشته متفاوت است. در دنیای امروز با پیشرفت تکنولوژی و وسایل ارتباطی از جمله ماهواره‌ها، رسانه‌ها، اینترنت، تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی و امثال این‌ها و از سوی دیگر، با کمرنگ شدن روابط صمیمی والدین و فرزندان، فرارگرفتن بنیان خانواده در مسیر تهاجم فرهنگی، دورشدن والدین و توجه کافی نداشتن به تربیت فرزندان بر طبق سیره تربیتی اسلام، انجام

پژوهش‌های تربیتی و آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها در رابطه با مسائل تربیتی فرزندان بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

پژوهش حاضر تلاش دارد ابعاد تربیت کودک در نظام خانواده از دیدگاه دین مبین اسلام را بررسی کند. در مقاله حاضر، ابتدا مفهوم و جایگاه تربیت کودک در اسلام تشریح می‌شود. سپس حقوق کودک در خانواده و نقش والدین در تربیت کودک تبیین می‌گردد. در ادامه، ابعاد تربیتی کودک از دیدگاه اسلام، شامل تربیت جسمی و عقلی، تربیت دینی و اخلاقی و تربیت اجتماعی کودک تشریح شده و روش‌های عملی تربیت کودک بررسی می‌شوند.

مفهوم و جایگاه تربیت کودک در اسلام

«تربیت» در لغت به معنای پروردن، نشو و نمادادن و زیادکردن و از ماده «رَبَوَ» است که به معنای اوج‌گرفتن، افزودن و رشدکردن است. برخی گفته‌اند «تربیت»، «از حد افراط و تفریط بیرون آوردن و به حد اعتدال سوق دادن» است؛ اما «تربیت» در اصطلاح، «کوشش برای ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رساندن تدریجی و مداوم او» است. به عبارت دیگر، «تربیت» شامل «به فعلیت رساندن استعدادها، به کمال رساندن فرد مستعد کمال و نیز مراقبت از او در مسیر رشد و سیر او به سوی کمال است.» (محمدی نویسی، ۱۳۹۲: ۳۲)

روایت مشهوری از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره نقل شده است:

«السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ»؛ «دل مادر

زمینه‌ساز سعادت یا شقاوت کودک است.»

به عبارت دیگر پدر و مادر زمینه‌ساز سعادت و شقاوت کودک هستند. در

قرآن کریم نیز خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾؛ «ورشکسته آشکار در روز قیامت کسی است که باید به خاطر فرزندانش به جهنم برود، و رشکسته آشکار آن کسی است که خود و خانواده‌اش را از آتش جهنم نجات نداده است.» (زمر، ۱۵)

بنابراین خانواده و فرزندان، نعمت بزرگ و امانت و مسئولیتی هستند که والدین در روز قیامت به خاطر آن، بازخواست می‌شوند. ارزش این نعمت زیبا زمانی کامل می‌شود که با دین و اخلاق نیک همراه شود. در قرآن کریم، خداوند متعال خطاب به مؤمنان می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید.» (تحریم/۶)

خداوند در این آیه به پدران و مادران دستور می‌دهد که مواظب خود و فرزندان خویش باشند. این دستور، دستوری تربیتی و در واقع، مربوط به تربیت فرزندان و همه اهل خانه است، بدین معنا که هر یک از والدین به سهم خویش در برابر تربیت فرزندان خود مسئول‌اند و باید به این وظیفه مهم عمل کنند.

در سیره امامان معصوم علیهم‌السلام نیز به مسئله تربیت کودک بسیار توجه شده است. حضرت علی علیه‌السلام به فرزند خود امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید:

قلب کودک نورس همانند زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. از این رو در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود و اندیشه‌ات به چیز دیگری مشغول شود تا به استقبال کارهایی بشتابی که صاحبان تجربه، زحمت آزمودن آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند.

در مجموع می توان گفت اسلام، مکتب تربیت است و والدین را به تربیت نیکوی خود و فرزندان‌شان ترغیب و تشویق نموده است. مکتب اسلام به اعتلای روح انسان توجه خاصی دارد و این مسیر خداگونه‌شدن است. این خداگونه‌شدن در حقیقت آشتی انسان با فطرت خدادادی، از طریق تربیت عقلانی، اخلاقی و دینی بوده که در قرآن کریم، در سیره پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام به آن توجه بسیار فراوانی شده است.

حقوق کودک در خانواده

اسلام برای کودک حقوق اساسی قائل شده است. در اسلام «نام نیکو داشتن» از نخستین حقوق کودک دانسته شده است. اسلام نامگذاری کودک با نام‌های نیکو را یکی از حقوق اولیه کودک می‌داند. امام رضا علیه‌السلام از نام نیکو به عنوان احسان و نیکی در حق فرزند یاد می‌کنند و می‌فرمایند:

«أَوَّلُ مَا يَبْرُؤُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمٍ حَسَنٍ، فَلْيُحْسِنِ أَحَدُكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ»؛
«نخستین احسان و نیکی که پدر در حق فرزندش روا می‌دارد، انتخاب نام زیبا برای اوست.» (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۱، ۳۶۷)

پیغمبر اسلام ﷺ نیز فرموده‌اند:

هر پدری وظیفه دارد نام زیبایی برای فرزندش انتخاب کند.

از دیگر حقوق کودک در اسلام «بازی کردن» است. آموزه‌های اسلامی این شیوه را برای پرورش جسمی و عاطفی کودک موثر می‌داند. امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌فرمایند:

شایسته است کودک به هنگام خردسالی بازیگوش باشد تا در بزرگسالی صبور و شکیبیا شود.

پیامبر ﷺ نیز می فرماید:

شیطنت و لجاجت کودک به هنگام خردسالی، نشانهٔ زیادی عقل او در بزرگسالی است.

بنابراین بازی علاوه بر توسعهٔ ذهنی کودک، عقل اجتماعی او را نیز رشد می دهد و این امکان را برای او فراهم می کند تا با حل مشکلاتی که در طول بازی با آن مواجه می شود، خود را برای حل معضلات جدی زندگی آینده آماده سازد.

«محبت به فرزند» از دیگر حقوق کودک در اسلام است. آموزه های اسلام نشان می دهد که وظیفهٔ والدین تنها تامین غذا و لباس و بهداشت کودک نیست، بلکه فراتر از آن، آبیاری کردن مزرعهٔ دل های آنان با آب حیاتبخش محبت و عطف است. محبت دیدن و دوست داشته شدن، خواستهٔ طبیعی کودک است؛ زیرا او کانون گرم و اطمینان بخشی می طلبد که در پرتو آن استعدادهايش شکوفا شود و شخصیتی ساخته و پرداخته پیدا کند. پیغمبر اکرم ﷺ به هنگام بامداد دست نوازش بر سر فرزندانش می کشید. (امینی، ۱۳۸۰: ۱۵۲) از نظر اسلام این تبادل محبت و مهرورزی باید از دوران کودکی آغاز و پایه ریزی شود و بهترین و برترین کسانی که باید آن را پایه گذاری کنند، والدین، مخصوصاً مادر است. پیامبر اسلام ﷺ در دستور صریح دیگری بیان می فرماید:

«أَحِبُّوا الصَّبِيَانَ وَ اِزْحَمُوهُمْ»؛ «کودکان را دوست بدارید و آنها را

مورد لطف و رحمت قرار دهید.» (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۱، ۴۴۹)

از دیگر حقوق کودک در اسلام می توان به «رعایت عدل و مساوات» اشاره کرد. اسلام، رعایت عدالت و مساوات بین فرزندان را از وظایف اخلاقی والدین می داند و توصیه می کند که والدین هیچ گاه پسر را بر دختر یا فرزندی را بر

فرزندان دیگر مقدم ندارند یا نزد بچه‌ها، به یکی بیش از همه مهر و محبت و نوازش نثار نکنند. در این راستا، پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

عدالت را در بین فرزندان رعایت کنید، حتی در خفا. چنان‌که شما دوست دارید فرزندان در احسان و لطف با عدالت با شما رفتار کنند، آنان نیز از شما همین انتظار را دارند.

«تعلیم و تربیت» از حقوق اساسی دیگر کودک است که اسلام بسیار به آن توجه کرده است. از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت است که فرمود:

فرزند هفت سال سرور، هفت سال فرمانبردار و هفت سال وزیر است. (مکارم الاخلاق، ۲۲۲)

این بدان معناست که انسان در هر سنی نوعی واکنش نشان می‌دهد و زمینه تربیتی و یادگیری متفاوتی دارد. «تربیت» امری «فرآیندی» است و در تمام مدت عمر اتفاق می‌افتد. بهترین زمان تربیت، دوران کودکی و نوجوانی است. در این دوران کودک همانند خشت خام است که هر نقشی را به خود می‌گیرد. از این رو سفارش زیادی برای تادیب کودکان در این دوره بیان شده است. حضرت علی عَلِيٌّ به فرزند خود امام حسن عَلِيٌّ سفارش می‌کنند که دوران کودکی بهترین زمان تربیت و تادیب کودکان است؛ آن حضرت در وصیت به فرزندشان امام حسن عَلِيٌّ می‌فرماید:

دل جوان، مانند زمین کشت نشده است، آنچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این رو، پیش از آنکه دلت سخت گردد و عقلت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتم. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

در این راستا، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز می‌فرماید:

«اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم یغفر لکم»، «فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیت‌شان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود.» (مکارم‌الاخلاق، ۲۲۲)

نقش والدین در تربیت کودک

والدین نقش مهمی در آینده فرزندان خود دارند. این تأثیرگذاری به اندازه‌ای است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است:

«السَّعِيدُ مَنْ سَعَدَ فِي بَطْنِ أُمَّهٍ وَ الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمَّهٍ»؛ «دل مادر زمینه‌ساز سعادت یا شقاوت فرزند است.» (نهج‌الفصاحة، ۵۳۰)

در باب اهمیت نقش والدین در تربیت کودک، رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «يَلْزَمُ أَوْلَادِيْنَ مِنْ عُقُوقِ الْوَالِدِ مَا يَلْزَمُ الْوَالِدَ لَهُمَا مِنَ الْعُقُوقِ»؛ «به همان اندازه که کودک به دلیل کوتاهی در وظایفش، عاق والدین می‌شود، والدین نیز در اثر مسامحه در وظایفی که به عهده دارند، عاق فرزند می‌شوند.» (وسائل الشیعه، ۱۵، ۱۲۳)

یکی دیگر از وظایف تربیتی والدین از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، ابراز محبت و احترام به کودکان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این ارتباط می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا»؛ «کسی که به کودکان ما رحم و محبت نکند و به بزرگسالان احترام نگذارد، از ما نیست.»

در این راستا، امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَرْحَمُ الرَّجُلَ لَشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ»؛ «مردی که به فرزند خود بسیار محبت کند، مشمول رحمت و عنایت مخصوص خداوند بزرگ است.» از دیگر اصولی که رعایت آن در تربیت کودک لازم است، «در پیش گرفتن راه رفاقت، نرم‌خویی و ملاطفت» در تربیت کودک و «پرهیز از خشونت و

سخت‌گیری» است. کودک باید با میل خود، پذیرای تربیت و آنچه مربی می‌خواهد، باشد، نه اینکه از سوی مربی و پدر و مادر خود مجبور به انجام کار و در نتیجه فراری شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«رحمت خدا بر پدر و مادری که فرزند خود را به انجام دادن نیکی یاری کنند»، اصحاب پرسیدند: چگونه او را بر نیکی یاری کنند؟ حضرت فرمود:

«آنچه انجام داده، از او بپذیرند و از آنچه انجام نداده است، درگذرند و از او تکلیف بیش از توان نخواهند و بر او سخت نگیرند.»

بنابراین اسلام به مدارا بسیار سفارش کرده و از خشونت و تندخویی در فرایند تربیت به شدت نهی کرده است.

ابعاد تربیت کودک در اسلام

در این بخش سه حیطة اصلی ابعاد تربیتی کودک، یعنی تربیت جسمانی و عقلانی، تربیت دینی و اخلاقی و تربیت اجتماعی بررسی می‌شوند:

۱. تربیت جسمانی و عقلانی

«تربیت جسمانی» در اسلام به‌عنوان مقدمه‌ای برای تربیت روح و عقل محسوب می‌شود. تربیت جسم و تقویت و استحکام بخشیدن به اعضا و جوارح و اندام‌ها، باید در جهت شادابی روح، رشد خصایص اخلاقی، سلحشوری، شجاعت، استقامت، تعاون و همکاری، صداقت، پاکی، یاد خدا و تعمق بخشیدن به فکر و اندیشه باشد. از جمله رهنمودهایی که اسلام در زمینه بهداشت و تربیت جسمی بیان می‌دارد، می‌توان به تغذیه سالم و کافی، تفریحات سالم و کار و کوشش اشاره کرد.

در قرآن نیز نیرومندی جسمانی به عنوان امتیاز به شمار رفته است. ائمه معصومین علیهم السلام نیز انجام بازی‌های رزمی و استقامتی را برای تقویت جسم مفید دانسته‌اند. (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰) در واقع از موانع سعادت برای انسان، ضعف اعصاب، ناتوانی بدن، قدرت نداشتن و عجز از انجام وظایف بدنی است که به دلیل اهمال و غفلت از رسیدگی به جسم و افراط و تفریط در زندگی، گریبان‌گیر انسان می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

آگاه باشید! که فقر یکی از بلاهاست و بدتر از فقر بیماری بدن است و بدتر از بیماری تن، بیماری قلب (به معنای انحطاط اخلاقی) است و بدانید که بهتر از تندرستی، تقوای قلب و پرهیز دل است.

از سوی دیگر اسلام به «تربیت عقلانی» نیز سفارش فراوان کرده است. اسلام برخلاف سایر ادیان، تربیت دینی، ارزشی و اخلاقی را با تربیت عقلانی جمع‌شدنی و یکی از راه‌های آن می‌داند. خردورزی یکی از ارزش‌های بنیادین تربیت اسلامی است، نه ارزشی نمادین. رویکرد اسلام به تربیت عقلانی جامع و جمع‌پذیر با رویکرد دینی است، رویکردی منحصر به فرد با چهره‌ای عقل‌پذیر که نویدبخش ارزش‌های کامل فکری و هموارکننده چالش‌های تربیت عقلانی است. در الگوی اسلامی تربیت عقلانی، علاوه بر حرکت فکری، به جهت فکر و موقعیت آن نسبت به سایر قوای ادراکی و تحریکی نیز اهمیت داده می‌شود. در این الگو جهت‌مندی الهی تفکر و حاکمیت آن بر شئون نفسانی، نقش کلیدی در سنجش خردورزی و تربیت‌یافتگی عقلانی انسان دارد، لذا «تربیت عقلانی» در اسلام، شامل «فرایند رشد و شکوفاسازی ظرفیت‌های اکتسابی ذهنی و ارزش‌های عقلی نظری و عملی» است.

۲. تربیت دینی و اخلاقی

صاحب نظران، «تربیت دینی» را «هر نوع بسترسازی که به شکوفایی ابعاد گوناگون وجود انسان پردازد و آن را در جنبه‌های مثبت بارور سازد» تعریف می‌کنند. در واقع، «تربیت دینی»، به معنای «به‌کارگیری توانایی‌های آدمی برای نیل به قرب الهی و جهت‌گیری به سمت اهداف متعالی» است. (امینی، ۱۳۸۰: ۱۵۲) براساس روایات اسلامی، تربیت دینی باتوجه به سن فرزند، باید به‌گونه‌ای باشد که در سه سالگی آموزش کلمه توحید، در چهارسالگی آموزش درود به پیامبر صلی الله علیه و آله، در پنج‌سالگی آموزش شهادت به پیامبری رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در شش‌سالگی آگاه‌کردن او به دست چپ و راست، در هفت‌سالگی تمرین روزه به صورت نصف روز، در هشت‌سالگی تمرین وضو و آموزش اولیة نماز و در سنین تکلیف و بلوغ، آموزش نماز و احکام دینی قرار داده شود. (قائمی، ۱۳۸۷) قرآن آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی است و معصومان علیهم السلام بر آموزش قرآن به کودکان عنایت ویژه‌ای داشتند. در این ارتباط، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

فرزندانتان را در سه ویژگی تشویق کنید: محبت به پیامبرتان، محبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و قرائت قرآن. همانا حاملان قرآن در زیر سایه خداوند با اولیا و اصفیاء هستند، روزی که جز سایه خداوند هیچ سایه دیگری نیست. (معصومی موحد، ۱۳۸۹)

از سوی دیگر، در آموزه‌های اسلامی، مفهوم «تربیت اخلاقی» نیز مطرح است. «تربیت اخلاقی» ناظر بر «پرورش استعدادهای روحی و اخلاقی است که مشتمل بر اصلاح درون و تهذیب نفس» است. این نوع تربیت، معمولاً مقدم بر آموزش‌های فکری محسوب می‌شود. (اخوی، ۱۳۹۰) در فرایند پرورش

اخلاقی، انسان به فضائل ویژه‌ای نظیر راست‌گویی، صداقت، بردباری، حق‌گویی، عفت و حیا و امثال اینها آراسته می‌شود و می‌تواند نماد انسان تربیت‌یافته اخلاقی باشد. هرگاه بدین حقیقت بنگریم که خلقت انسان به‌منظور تکامل و رشد معنوی اوست و هدف از بعثت انبیا، به‌ویژه رسالت خاتم پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تکمیل فضائل اخلاقی و فراهم کردن تجهیزات این رشد و کمال است، جایگاه تربیت و اخلاق و مقصد نهایی آن روشن و واضح می‌شود. در این دیدگاه، شخصیت اخلاقی عنصر اساسی و جوهره اصلی وجود انسان را تشکیل می‌دهد که هدف شرایع و عقاید قرار دارد.

در مجموع، هدف تربیت دینی و اخلاقی در مکتب اسلام، رساندن انسان به کمال و مقام قرب ربوبی و کسب فضائل اخلاقی زینده انسانی وارسته است. رسیدن به قرب الهی، در گرو ایمان و تقوای مستمر و ایجاد و تقویت روح هدایت‌پذیری در فرد است. آگاهی‌های دینی درست و متناسب با نیازهای کودکان، نقش مهمی در سرنوشت آینده آنان ایفا می‌کند؛ زیرا اساس انسان را، فکر و فرهنگ او می‌سازد و اگر این فکر و فرهنگ، مبتنی بر آگاهی‌های مستدل دینی باشد، زندگی جهت دینی پیدا می‌کند. لذا تعلیم مسائل دینی و اصول اخلاقی به کودکان، در روشنگری ذهن آنان و ایجاد علاقه به امور دینی بسیار حائز اهمیت است. بدین ترتیب تأثیر متقابل اخلاق و مذهب با یکدیگر، مستلزم آن است که به فرایند تربیت دینی و تربیت اخلاقی در کنار یکدیگر پرداخته شود.

۳. تربیت اجتماعی

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در نهج البلاغه بر هر دو وجه رفتارهای فردی و اجتماعی تأکید دارند و یکی را جدای از دیگری نمی‌دانند. از دیدگاه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام:

در هر جامعه، آدمیان در عین استقلال، هویت و روح جمعی دارند و اصالت، هم با فرد است و هم جمع؛ آن کس که از کار مردمی خشنود باشد، چونان کسی است که همراه آنان است، هر کس که به باطلی روی آورد، دو گناه بر عهده او باشد: گناه کردار باطل و گناه خشنودی به کار باطل. (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴)

با توجه به این کلام، کسی که به کار گروهی راضی باشد، در واقع همراه آنها در آن کار بوده و بر کسی که در کار باطل دخالت کند، دو گناه است: گناه کار و گناه رضایت به آن. چنانکه ملاحظه می‌شود، کاری که فرد انجام می‌دهد، از حیث مشارکت در وضعیت اجتماعی، نوعی حرکت اجتماعی و از حیث رغبت و خشنودی درونی، نوعی حرکتی فردی است.

دیدگاه حضرت علی علیه السلام راجع به تربیت اجتماعی، دیدگاه خدامحورانه است. حضرت به تربیت اجتماعی که انسان را به اصلاح رابطه‌اش با خدا و دیگران بکشانند، معتقد است. ایشان می‌فرماید:

«من اصلاح ما بینه و بین الله اصلاح الله ما بینه و بین الناس و من اصلاح امر آخرته اصلاح الله له امر دنیا»؛ «کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، خدا میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امر آخرتش را اصلاح کند، خدا امر دنیايش را اصلاح می‌کند».

از سوی دیگر، از دیدگاه امام علی علیه السلام، تربیت اجتماعی تابع نیازهای آدمی است. اجتماع، صحنه‌گریزناپذیر برای انسان‌ها است و آدمیان به شدت نیازمند آن هستند. امام علی علیه السلام در خطبه ۲۳ نهج البلاغه می‌فرمایند:

انسان هر مقدار ثروتمند باشد، باز از خویشاوندان خود بی‌نیاز نیست؛ زیرا از او با زبان و دست دفاع می‌کنند، خویشاوندان انسان، بزرگترین گروهی

هستند که از او حمایت می‌کنند و اضطراب و ناراحتی او را می‌زدایند و هنگام مصیبت‌ها نسبت به او، پرعاطفه‌ترین مردم هستند.

توصیه امام علیه السلام به احسان و نیکی به نزدیکان و نیز حمایت آن‌ها از انسان به ویژه در حالت گرفتاری و پیشامد، نمایانگر نیاز به زندگی در پرتو تربیت اجتماعی است. (نهج البلاغه، خطبه ۲۳)

همچنین امام علی علیه السلام خطاب به فرزندشان می‌فرماید:

بسم، نفس خود را میان خود و دیگران میزان قرارده؛ پس آنچه برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران میسند؛ ستم روا مدار آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود؛ نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند و آنچه برای دیگران زشت می‌داری، برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی؛ آنچه نمی‌دانی نگو؛ اگر چه آنچه می‌دانی اندک است؛ آنچه دوست نداری به تو نسبت دهند، درباره دیگران مگو؛ بدان که خودبزرگ‌بینی و غرور، مخالف راستی و آفت عقل است، نهایت کوشش را در زندگی داشته باش، آن‌گاه که به راه راست هدایت شدی، در برابر پروردگارت از هر فروتنی خاضع‌تر باش. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

التزام به این اصل مهم اخلاقی، تضمین‌کننده دوستی پایدار و روابط سالم اجتماعی است. اگر در جامعه، تمام افراد براساس وجدان اخلاقی با یکدیگر معاشرت کنند و به حقوق و منافع و حیثیت دیگران احترام بگذارند، روابط اجتماعی مستحکم‌تر و آرامش و امنیت جامعه تقویت خواهد شد.

در نهایت می‌توان گفت، هدف تربیت اجتماعی، ایجاد آمادگی برای انطباق با محیط اجتماعی است که کودک ناگزیر در آن قرار دارد. این به معنای

آشناکردن کودک با هنجارهای اجتماعی است؛ هنجارهایی که بخش مهمی از فرهنگ اسلامی را تشکیل می‌دهد. امروزه مسلم شده است که هرگونه تربیتی چه منفی چه مثبت، چه فردی چه اجتماعی، خود نوعی عمل یا تعامل است و بنابراین به هر حال اجتماعی است؛ جریانی است که یکسوی آن به نحو متقابل میان دو محور، یکی کودک و دیگری مربی برقرار می‌شود، لذا تربیت، فقط شامل ارتباط میان شاگرد و معلم نیست، بلکه از مرزهای خانواده و مدرسه فراتر رفته، با محیط‌های مختلف دیگر که در صحنه‌های اجتماعی پراکنده‌اند، سر و کار دارد.

روش‌های تربیت کودک

در این بخش روش‌های تربیتی کودک از دیدگاه اسلام، در سه حیطه اصلی ابعاد تربیتی، یعنی تربیت جسمانی و عقلانی، تربیت دینی و اخلاقی و تربیت اجتماعی بررسی و تحلیل می‌شود:

الف) روش‌های تربیت جسمانی و عقلانی

از مهم‌ترین اهداف تربیت جسمانی در اسلام، پرستش و عبادت خداست؛ چون یکی از شرایط عبادات نظیر نماز، روزه، حج، جهاد و امثال این‌ها، داشتن قدرت و استطاعت بدنی است. با ضعف بدن و ابتلاء به انواع بیماری‌ها و گرفتاری‌ها، انجام هیچ‌کاری از انسان ساخته نیست. همچنین یکی از اهداف تربیت جسمانی در اسلام، خدمت به خلق و دستگیری از اقشار ضعیف و مستضعف جامعه است. انسان مؤمن باید توانایی و قدرت بدنی و سلامتی‌اش را صرف گره‌گشایی از مشکل افراد جامعه و گرفتن دست افتادگان نماید و

به وسیله آن روحیه فتوّت و جوانمردی کسب کند. همچنین، نظم و انضباط در روایات اسلامی، بسیار تأکید شده است. به عنوان نمونه، امام علی علیه السلام که بارها نتایج زبان‌بار بی‌نظمی و تشّت را در فکر و عمل مسلمانان دیده بود، در بستر شهادت و در آخرین پیامش، فرزندان خود و مسلمانان را به تقوای الهی و نظم در کارها فراخوانده و می‌فرماید:

«أوصيكمُا و جميع أهلي و ولدي و من بلغه كتابي بتقوى الله و نظم امركم»؛
«شما را (ای حسن و حسین) و همه خانواده و فرزندانم و هرکس را که نوشته‌ام من به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم.»

برای «پرورش عقلانی» نیز روش‌های گوناگونی در منابع اسلامی ذکر شده است. از جمله روش‌های تزکیه، روش تعلیم حکمت، روش تجربه‌اندوزی، روش عبرت‌آموزی و مشورت با خردمندان است. «تزکیه» به معنای نمو و رشد دادن است، همچنین به معنای تطهیر و پاک‌کردن است (تفسیر نمونه، ج ۲۷). قرآن مجید پس از یازده سوگند می‌فرماید:

... سوگند به همه این‌ها، که هرکس نفس خود را تزکیه کند، رستگار است و هرکس

نفس خود را آلوده ساخت، [از لطف خدا] محروم گشت. (شمس، ۱۰ و ۹)

همچنین قرآن مجید هدف پیامبران را تزکیه و پرورش نفوس ذکر کرده است. (آل عمران، ۱۶۴) این موضوع به صورت عناوین دیگر مانند تهذیب نفس یا خودسازی در کلمات بزرگان به چشم می‌خورد. از سوی دیگر، یکی از موانع مهم تهذیب نفس، «غفلت» است و راه مقابله با آن، پرورش تفکر است. این حیطة تربیتی در اسلام بسیار سفارش شده است؛ چراکه اسلام تفکر را ضد غفلت می‌داند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«فکر کردن مایه رشد است.»

در روش «تعلیم حکمت» سبک قرآن به گونه‌ای است که از مراحل محلی مانند مواجهه حسی، اندیشه‌ورزی، ارزیابی اندیشه‌های سست و استدلال سخن به میان می‌آید. همچنین روش «فراگرفتن علم»، رشد عقل را در پی دارد و شرط تعقل مطلوب نیز بهره‌گیری از علم است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«العقل عقلان: مطبوع و مسموع»؛ «عقل از طریق کسب علم و معرفت رشد می‌یابد.»

به علاوه «روش تجربه‌اندوژی» نیز به تربیت عقلانی کمک می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«و فی التجارب علم مستألف»؛ «از تجربه، دانش تازه به دست می‌آید.»

همچنین آموزه‌های اسلامی به روش «عبرت‌آموزی» سفارش کرده‌اند. در این راستا، امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«دوام الاعتبار یودی الی الاستبصار»؛ «استمرار در عبرت‌گرفتن، آدمی را به سوی بصیرت سوق می‌دهد.» (محمدری شهری، ۱۳۷۹: ۹۴)

همچنین قرآن به روش «مشورت با خردمندان» نیز سفارش کرده است:

«و شاورهم فی الامر»؛ «در کارها با یکدیگر مشورت کنید.» (آل عمران، ۱۵۹)

ب) روش‌های تربیت دینی و اخلاقی

در آموزه‌های اسلامی، روش‌های گوناگونی برای تربیت دینی و اخلاقی کودک ارائه شده است. معصومان علیهم السلام با همه، مخصوصاً کودکان، با صداقت و راستی برخورد می‌کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می‌فرماید:

«أحبوا الصبيان و أرحمهم فإذا وعدتموهم ففوا لهم فانهم لا یرون الا انکم ترزقونهم»؛ «کودکان را دوست بدارید و بر آنها ترحم کنید، هر گاه به آنها

وعده‌ای دادید، به وعده خود وفا کنید؛ زیرا کودکان، شما را یگانه

روزی دهنده خود می‌دانند.» (اصول کافی، جلد ۶)

در تربیت دینی کودک باید به نکاتی توجه کنیم، از جمله اینکه مفاهیم دینی، واقعی‌تر از آنچه بیان می‌شود، در درون کودک تصور می‌گردد و واقعی‌تر از آنچه در درون تصور می‌شود، وجود دارد. همچنین طرح درست مسائل دینی و فرصت دادن به کودک برای حل آن، بیش از پاسخ گفتن به مسائل دینی، موجب پرورش تفکر دینی می‌شود. در این میان «آگاهی بخشی» مسئله‌ای بسیار مهم است. آموزش مبتنی بر بصیرت و آگاهی دانش آموز از اصول اساسی نظام آموزشی اسلام است. در منابع اسلامی آیات و روایات فراوانی وجود دارد که علم و آگاهی را می‌ستاید و مردم را به سوی آن می‌خواند و تشویق می‌کند و از جمود و تقلید کورکورانه و بدون تفکر بر حذر داشته و به شدت نکوهش می‌کند.

در ارتباط با سایر روش‌های تربیتی می‌توان تصریح کرد که روش «استفاده از مثال» روش مفیدی در تربیت دینی و اخلاقی کودکان است. استفاده از مثال‌های متنوع، فهم مسائل انتزاعی را برای کودکانی که از نظر رشد شناختی و تحول روانی، ضعیف یا در سطح پایینی هستند، آسان می‌کند. همچنین روش «قصه‌گویی» یکی از مناسب‌ترین روش‌ها در آموزش مفاهیم دینی به کودکان است؛ زیرا کودکان شیفته شنیدن قصه و خواندن داستان هستند. هرچه استفاده از داستان‌های مناسب بیشتر باشد، تاثیر این آموزش و رسیدن به اهداف مدنظر سریع‌تر می‌شود؛ زیرا قصه و داستان، آموزه‌ها و حقایق دینی را به‌طور غیرمستقیم بیان می‌دارد. به‌علاوه روش «یادآوری نعمت‌های الهی» بسیار مناسب است. خداوند متعال نعمت‌های مادی و معنوی فراوانی برای بشر آفریده

است. از این رو در دوره کودکی با توجه به تمایلات فطری و گرایش‌های فطری پاک کودکان، بهتر می‌توان از روش یادآوری نعمت‌ها استفاده کرد و به تقویت شناخت کودک در مسائل خداشناسی کمک کرد.

ج) روش‌های تربیت اجتماعی

در آموزه‌های اسلامی به شیوه‌های گوناگونی به تربیت جمعی بسیار پرداخته شده است. از آداب بهداشت شخصی و جمعی گرفته تا آداب تعامل و زندگی در جامعه دینی. درباره آداب بهداشتی و غذاخوردن در حضور دیگران، روایاتی در دست است. عمر بن ابی سلمه (فرزند ام سلمه) می‌گوید:

در کودکی در خانه پیامبر زندگی می‌کردم و بر سر سفره، دستم را به هر طرف دراز می‌کردم و غذا برمی‌داشتم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای غلام! بسم الله بگو و با دست راست و از جلوی خودت غذا بخور.

آن‌گونه که از این روایت استنباط می‌شود، باید آداب غذاخوردن در جمع و پاکیزگی و نظم را به کودک خود بیاموزیم و خود نیز رعایت کنیم. (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۲)

همچنین می‌توان به روش «پرهیز از تحقیر» اشاره کرد. این شیوه ما را به سمت حفظ عزت و کرامت انسانی می‌کشانند و بر اصل عزت نفس مبتنی است. همچنین روش «مواجهه با نتیجه عمل و ابتلاء»، ما را متوجه وظایف و عملکردهایمان در اجتماع می‌کند و از اصل مسئولیت استخراج شده است. به علاوه، روش‌های «زمینه‌سازی»، «تغییر موقعیت»، «الگوسازی»، «پیشگیری»، «امر به معروف» و «نهی از منکر»، «آراستن ظاهر» و «آراستن سخن»، همگی راه‌هایی برای تربیت اجتماعی انسان‌ها است.

در تشریح روش‌های یادشده نکاتی مطرح است. در اسلام درباره «پرهیز از تحقیر کردن دیگران» بسیار تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مذمت این عمل غیراخلاقی می‌فرماید:

«خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار بشمارد.» (نهج الفصاحه، ۱)
و «برای مرد همین شربس که برادر مسلمان خویش را تحقیر کند.»
(نهج الفصاحه، ۲)

از نظر ایشان وقتی دیگری را تحقیر می‌کنیم، از شرّ کینه و عداوت او در امان نخواهیم بود. امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:
«خدای عزّ و جلّ فرمود: آن کس که بندهٔ مومن را خوار کند، آشکارا به جنگ با من برخاسته است.» (اصول کافی، ۴)
همچنین امام سجاد علیه السلام به فرزند خویش فرمودند:

اگر کسی در سمت راست تو بایستد و تو را دشنام دهد و آنگاه به سمت چپ تو آید و عذرخواهی کند، عذرش را بپذیر. (عاملی، ۱۳۷۲: ۸۴)

همچنین به روش «مواجهه‌نکردن با نتایج اعمال» سفارش شده است. در این شیوه، بایستی پیامدهای عمل فرد را به وی یادآور شد. هنگامی که فرد بداند عمل وی به زیان یا به سود خود اوست، زمینه و انگیزهٔ درونی مناسب نسبت به ترك یا انجام عملی پیدا می‌کند. با ایجاد این انگیزه، الزامی درونی، جایگزین الزام بیرونی می‌شود. انسان با دانستن عواقب عملی، می‌کوشد به گونه‌ای فعالیت کند که زیانی متوجه‌اش نشود. حضرت علی علیه السلام تمام اعمال انسان‌ها را چون کشته‌ای دارای حاصل و عاقبت می‌داند و سرانجام حتمی تمامی اعمال، یعنی پاداش یا مجازات آن در قیامت را متذکر می‌شود و در واقع ما را به نتایج اعمال مان متوجه می‌کند و نوعی مواجهه با نتایج را گوشزد می‌فرماید:

«كَمَا تَزْرَعُ تَحْصُدُ وَ مَا قَدَّمْتَ الْيَوْمَ تَقْدُمُ عَلَيْهِ غَدًا فَأَمْهَدُ لِقَدَمِكَ وَ قَدَّمُ لِيَوْمِكَ»؛
 «آن گونه که کاشتی، درو می کنی، آنچه امروز پیش می فرستی، فردا بر آن وارد
 می شوی، پس برای خود در آخرت جایی آماده کن.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳)
 قرآن کریم در آیه های فراوانی به فریضه «امر به معروف» و «نهی از منکر»
 نیز اشاره کرده است، از جمله، آیه

«يَوْمُنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ
 يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ «به خدا و روز واپسین ایمان
 می آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در انجام کارهای نیک،
 پیشی می گیرند و آن ها از صالحانند.» (آل عمران، ۱۱۴)
 یا آیه:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ
 أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به
 معروف و نهی از منکر کنند و آن ها همان رستگارانند.» (آل عمران، ۱۰۴)
 همچنین امیر المؤمنین علی عليه السلام فرموده اند:

«لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النُّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولِغُ عَلَيْكُمْ شِرَارِكُمْ»؛ «امر به
 معروف و نهی از منکر را رها نکنید، در غیر این صورت بدترین شما بر شما
 حاکم می شوند.» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

از شیوه های دیگر تربیت اجتماعی «حفظ آراستگی ظاهر» و «آراستگی
 گفتار» است. امامان معصوم عليهم السلام به تمیزی و مرتب بودن ظاهر خود مشهور
 بودند و شیعیان را به این امر دعوت می کردند. امام صادق عليه السلام می فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ التَّجَمُّلَ، وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
 إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا. قِيلَ: وَ كَيْفَ

ذَلِكَ؟ قَالَ: يُنْظَفُ ثَوْبُهُ، وَ يُطَيَّبُ رِيحُهُ، وَ يُحَسَّنُ دَارُهُ، وَ يُكْفَرُ أَفْنِيَّتَهُ؛
«همانا خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد و زندگی نکبت‌بار
و سخت و فروتنی فقیرانه را دشمن می‌دارد؛ زیرا خداوند بزرگ وقتی
نعمتی به کسی می‌دهد، دوست دارد اثر آن را در زندگی او ببیند.» اصحاب
پرسیدند: و آن (تجمل) چگونه است؟ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:
«(بدین‌گونه که) خویشتن را خوشبو، لباس را پاکیزه و خانه‌اش را زیبا سازد
و صحن و سرایش را جارو کند.» (بحار الانوار، ج ۱۶)
همچنین در آموزه‌های اسلامی به «آراستگی گفتار» بسیار سفارش شده
است. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده‌اند:

«عَوْدَ لِسَانِكَ لِيْنَ الْكَلَامِ وَ بَدَلَ السَّلَامِ يَكْتَرُ مَحْبُوكٌ وَ يَقْلُ مَبْغُوضٌ»؛ «زبان
را به گفتار نرم بگردان و سلام را هدیه کن تا دوستدارانت زیاد و دشمنانت کم
شوند.» (غررالحکم)
یا اینکه حضرت فرموده‌اند:

«خَيْرَ الْكَلَامِ الصِّدْقُ»؛ «بهترین حرف، حرف راست است.» (غررالحکم)

یا در جایی دیگر حضرت فرموده‌اند:

«خَيْرَ الْمَقَالِ مَا صَدَّقَهُ الْفِعَالُ»؛ «بهترین گفتار کلامی است که عمل و رفتار
ثابتش کند.» (سفینة البحار، ۷)

در مجموع می‌توان اظهار داشت که همگی این نکات تربیتی، مبین توجه
دین مبین اسلام به تربیت اجتماعی انسان‌ها بوده و به تاثیرات این نوع تربیت
در نیکویی و راست‌خویی بشر اشاره دارد.

نتیجه گیری

«تربیت» از نظر اسلام به معنای «خروج انسان از تاریکی و جهل و حرکت به سوی روشنایی و دانایی است». هر انسانی، فطرت تربیت پذیری و علم دوستی دارد؛ لذا جامعه و به ویژه والدین باید مسیر رشد و ترقی کودک را از طریق تربیت مطلوب هموار سازند. اسلام مکتب تربیت است و والدین را به تربیت نیکوی خود و فرزندان‌شان ترغیب و تشویق کرده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾؛ «ای کسانی که ایمان

آورده‌اید؛ خود و خانواده خود را از آتش نگاه دارید.» (تحریم / ۶)

امیرالمومنین علی علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید:

«عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَأَدَّبُوهُمْ»؛ «به خود و خانواده خود خوبی

بیاموزید و آنان را تربیت کنید.»

اگر بخواهیم کودک را مطابق برنامه تربیتی اسلام که در رفتار و گفتار علوی تجلی یافته است، پرورش دهیم، باید به اصول ویژه‌ای توجه کنیم: از جمله، اصل سلامت بدن، اصل سلامت روح، اصل سلامت عقل و تفکر و اصل اخلاق سالم که بدون تربیت صحیح دینی و اخلاقی و به‌کارگیری روش‌های مطلوب تربیتی، برای هیچ‌کس تحقق نمی‌یابد.

به‌منظور تربیت مطلوب کودک از دیدگاه اسلام، باید به تحقق تمایلات درونی کودک و توجه به تمام جنبه‌های شخصیت او پرداخت و این مهم، فقط در محیط خانواده امکان‌پذیر است. دامن پر مهر والدین می‌تواند مکان مناسبی برای تحقق این هدف باشد. محیط خانواده، مدرسه‌ای است که می‌تواند استعداد‌های درونی کودکان را بیوراند و به آن‌ها درس عزت نفس، شخصیت،

رشادت، بخشش، سخاوت و دیگر سجایای انسانی را بیاموزد. امام حسین علیه السلام در حساس‌ترین لحظه‌های واقعه عاشورا، از ریشه خانوادگی و تربیت خانوادگی اش سخن می‌گویند:

«دامن‌های پاکی که مرا تربیت کرده‌اند، از پذیرش ذلت ابا دارند.»

یعنی من در دامن پیامبر، علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام تربیت شده‌ام. خانواده، کانون شکل‌گیری خصایص مطلوب فردی و اجتماعی است. تنها محیطی که می‌تواند قابلیت‌های درونی افراد را بیورود و شخصیت و استعداد آن‌ها را از قوه به فعلیت درآورد، خانواده است. البته باید توجه داشت هر خانواده‌ای توانایی تربیت مطلوب را ندارد و نمی‌تواند بهترین آموزشگاه باشد. پدران و مادرانی که گفتار و کردارشان برخلاف تربیت و انسانیت است، هرگز نمی‌توانند در دامن خویش فرزندان شایسته‌ای تربیت کنند. خاندان اصیل و شایسته، زمانی می‌تواند در آغوش خود، فرزندان شریف و با فضیلتی تربیت کند که مردان و زنان آن خانواده، دچار انحراف نشوند و به پستی نگریند. همچنین صفات پسندیده انسانی و ویژگی‌های والای خانوادگی خود را که سرمایه شرف آن‌هاست، مانند گوهر گران‌بهایی در خاندان خویش حفظ کنند و هر نسلی، آن را به نسل بعد بسپارد و نیز به مهم‌ترین اصل که همان پیراستن محیط خانواده از هرگونه آلودگی و گناه است، توجه کنند.

وجود کودک دارای دو بعد روحانی و جسمانی است. همان‌طور که پرورش و رشد جسمانی و عقلانی مهم است، تربیت دینی و اخلاقی نیز حائز اهمیت است. همچنین یکی دیگر از ابعاد تربیت انسان، تربیت اجتماعی است. انسان موجودی اجتماعی است و بدون برقراری روابط منطقی و سازنده با اعضای جامعه، قادر به برآوردن احتیاجات خود نیست. روابط انسان با جامعه رابطه‌ای

متقابل و دوطرفه است و این رابطه، حس مسئولیت را در فرد ایجاد می‌کند؛ چون خانواده مهم‌ترین کانون برای رشد شخصیت کودک است. بنابراین تربیت اجتماعی از خانواده شروع می‌شود و از همان ابتدا باید کودک را با اصول و هنجارهای اجتماعی، هماهنگی و سازگاری مناسب با دنیای اجتماعی آشنا کرد. کودک ابتدا با زندگی در خانواده و بعدها در مدرسه و رابطه با همسالان، اجتماعی می‌شود؛ پس کودک باید یاد بگیرد در ارتباط بهتر و مؤثر و در رسیدن به اهدافش، چگونه در جامعه زندگی کند. در مجموع می‌توان به پیشنهادات ذیل در جهت تربیت مطلوب ابعاد گوناگون رشد کودک توجه کرد:

- تأمین و رعایت حقوق کودک؛
- احترام به کودک؛
- حفظ شخصیت و توجه به عزت نفس کودک؛
- توجه به استقلال‌طلبی کودک؛
- اظهار محبت به کودک؛
- توجه به تربیت جسمانی و عقلانی کودک؛
- درونی‌کردن ارزش‌های دینی و اخلاقی در کودک؛
- پرورش فطرت راست‌گویی و صداقت در کودک؛
- توجه به تربیت اجتماعی کودک.

در پایان می‌توان اظهار داشت که دین مبین اسلام، تحقق تربیت کامل انسان را در گرو تربیت جسمانی، عقلانی، دینی، اخلاقی و اجتماعی می‌داند. بدون تردید به‌کارگیری آموزه‌های تربیتی اسلام می‌تواند زمینه رشد انسان کامل را فراهم کند، هدفی که در صورت میسر شدن، می‌تواند به محصول نهایی، یعنی جامعه تربیت یافته کامل منتهی شود.

منابع

۱. امینی، ابراهیم، ۱۳۸۰، اسلام و تعلیم و تربیت، ج دوم، تهران: انتشارات اولیاء و مریبان جمهوری اسلامی ایران.
۲. حسینی زاده، سید علی، ۱۳۸۹، تربیت فرزند، ج یک، چ نهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. رحیمی اصفهانی، غلامحسین، ۱۳۸۰، وظایف والدین و فرزندان در برابر یکدیگر، تفرش: انتشارات عسگریه.
۴. رضی الدین الحسن بن الفضل طبرسی، مکارم/اخلاق. رضی الدین الحسن بن الفضل طبرسی، (قرن ۶ هجری)، ۱۳۹۲، چ ششم، قم: انتشارات شریف رضی، چاپ ششم، ۱۳۹۲.
۵. ساجدی، ابوالفضل. ۱۳۸۸، دین‌گریزی چرا، دین‌گرایی چه سان (قرآن و نظام تربیتی نسل نو)، چ چهارم، قم: موسسه امام خمینی رحمه الله.
۶. طبسی مروجی، محمدجواد، ۱۳۸۸، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، قم: موسسه بوستان کتاب.
۷. عاملی، ۱۳۷۲، آداب معاشرت از دیدگاه معصومین علیهم السلام، ترجمه فارابی، بی نا، بی جا.
۸. العاملی، الشیخ الحر، وسائل الشیعة، جلد ۱۵، الشیخ الحر العاملی.
۹. عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، عبد الواحد بن محمد آمدی. مصحح: مهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۱۰. قرآن کریم، ترجمه خرمشاهی، ۱۳۷۴، چ ۱، تهران: انتشارات گلشن، چاپ اول.
۱۱. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ۱۳۵۹، جلد ۷، شیخ عباس قمی، قم: انتشارات اسوه.

۱۲. کلینی، اصول کافی، مترجم جواد مصطفوی، جلد ۴ و ۶، مترجم جواد مصطفوی. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
۱۳. مجلسی، بحارالانوار، علامه مجلسی، ۱۳۸۲، جلد ۱۶، چاپ چهارم، تهران: نشر دارالکتاب الاسلامیه.
۱۴. محمدیان، بهرام، ۱۳۷۷، نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹، میزان الحکمه، ترجمه رضا شیخی، قم: دارالحديث.
۱۶. مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ۱۳۸۴، جلد ۲۷، آیت الله مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، چاپ ۲۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. نهج البلاغه، ترجمه ترجمه محمد دشتی، ۱۳۸۷، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۸. نهج الفصاحه، جلد ۱ و ۲، گردآوری و ترجمه: ابوالقاسم پاینده.، ۱۳۸۲، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارت علمی.

مقالات

۱. اخوی، اصغر، ۱۳۹۰، «روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام» راه تربیت، ش ۴۹.
۲. بهشتی، احمد و منطقی، یگانه، ۱۳۹۰، «بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین علیهم السلام»، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره هفتم، ش ۳.
۳. قائمی، علی، ۱۳۸۷، «تربیت برای زندگی و تربیت دینی (معنوی)»، نشریه پیوند، ش ۳۴۸.